



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Examining Iran's Criminal Policy from the Point of View of the Effects of Restorative Justice in the Principles of Fair Trial

Mohammad Bagher Rezvanifar¹, Kumars Kalantari*², Sosan Narimani³

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 661-672

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-9624-1559

TELL: +989111123338

Email: kalantar@nit.ac.ir

Article history:

Received: 18 May 2022

Revised: 10 Dec 2022

Accepted: 12 Dec 2022

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

*Restorative Justice,
Principles of Fair Trial,
Criminal Policy of Iran.*

ABSTRACT

In restorative justice, all those involved in a criminal process; victims, criminals and the local community have come together and are looking for solutions to eliminate the effects of the criminal process. At present, about a hundred countries of the world have turned to the implementation of restorative doctrines in the resolution of criminal disputes. Iran's criminal policy is also in line with the implementation of the principles of fair trial in cases of removing the punishment, changing the punishment or delaying the execution of the punishment; Also, the provision of restorative institutions such as postponing the issuance of verdicts and benefiting from principles such as mediation, in turn, originates from the principles of fair proceedings, which have provided good capacities for the implementation of restorative justice programs. In this way, the degree of application of fair trial principles in criminal policy indicates the degree of utilization of restorative justice findings in this area; Therefore, in order to know the extent of criminal policy utilization of the findings of restorative justice in criminal policy, the extent of utilization of the principles of fair proceedings has been the focus of its investigation and using the descriptive-analytical method and library tools, the principles of fair proceedings studies in the criminal policy from the perspective of the findings of restorative justice and finally comes to the conclusion that there are manifestations of using the findings of restorative justice in the legislative, judicial, executive and even participatory levels of the criminal policy of Iran. And Iran's criminal policy has not benefited from these findings.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Rezvanifar, MB; Kalantari, K & Narimani, S (2023). "Examining Iran's Criminal Policy from the Point of View of the Effects of Restorative Justice in the Principles of Fair Trial". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 661-672.



انجمن علمی فقه‌برای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌برای تطبیقی

دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

بررسی سیاست جنایی ایران از منظر جلوه‌های عدالت ترمیمی در اصول دادرسی منصفانه

محمد باقر رضوانی فر^۱، کیومرث کلانتری^{۲*}، سوسن نریمانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۲. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

چکیده

در عدالت ترمیمی، تمام کسانی که در یک فرآیند مجرمانه دخیل بوده‌اند؛ اعم از بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه محلی گرد هم آمده و برای رفع آثار فرآیند مجرمانه به چاره‌جویی می‌پردازند. در حال حاضر، حدود صد کشور جهان به اجرای آموزه‌های ترمیمی در حل‌وفصل اختلافات کیفری روی آورده‌اند. سیاست جنایی ایران نیز در راستای اجرای اصول دادرسی منصفانه در مواردی به دنبال حذف کیفر، تبدیل کیفر و یا تأخیر در اجرای کیفر است؛ همچنین، پیش‌بینی نهادهای ترمیمی چون تعویق صدور حکم و بهره‌مندی از اصولی چون میانجیگری، به نوبه خود برخاسته از اصول دادرسی منصفانه است که ظرفیت‌های خوبی را برای اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی فراهم نموده است. بدین ترتیب، میزان به‌کارگیری اصول دادرسی منصفانه در سیاست جنایی نشانگر میزان بهره‌گیری از یافته‌های عدالت ترمیمی در این حوزه است؛ لذا این پژوهش در پی شناخت میزان بهره‌گیری سیاست جنایی از یافته‌های عدالت ترمیمی در سیاست جنایی، میزان بهره‌گیری از اصول دادرسی منصفانه را در محور بررسی خود قرار داده و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، اصول دادرسی منصفانه را در سیاست جنایی از منظر یافته‌های عدالت ترمیمی مورد مطالعه قرار می‌دهد و در انتها به این نتیجه می‌رسد که در سطوح تقنینی، قضایی، اجرایی و حتی مشارکتی سیاست جنایی ایران، جلوه‌هایی از بهره‌گیری از یافته‌های عدالت ترمیمی وجود دارد و سیاست جنایی ایران از این یافته‌ها بی‌بهره نمانده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۶۱-۶۷۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۱۵۵۹-۹۶۲۴-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: ۹۸۹۱۱۱۱۲۳۳۳۸+

ایمیل: kalantar@nit.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

عدالت ترمیمی، اصول دادرسی منصفانه، سیاست جنایی ایران.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

عدالت ترمیمی دارای چهار هدف عمده اصالت روابط شخصی، جبران، بازپذیری و مشارکت است. این تفکر که جرم، اصولاً و بدواً تعدی به روابط میان فردی است، نه صرفاً مناسبات میان فرد و حکومت، نقطه آغاز عدالت ترمیمی است. در عدالت ترمیمی، طرفین درگیری تنها به بزه کار و بزه دیده ختم نمی شوند؛ بلکه جامعه محلی و تمامی عناصری که به نحوی در فرآیند ارتکاب جرم و تبعات آن نقش داشته و متأثر شده اند، گردهم آمده و در راستای جبران آسیب های ایجاد شده در نتیجه ارتکاب جرم تلاش می کنند. عدالت ترمیمی از جهات متعددی با عدالت کیفری معاصر تفاوت دارد، نخست آنکه نگرش فراگیرتری به اعمال مجرمانه دارد، بیش از آنکه جرم را صرفاً عملی قانون شکنانه تلقی کند، به این موضوع می پردازد که بزه کاران به بزه دیدگان، جامعه و حتی خودشان لطمه می زنند. دوم آن که افراد بیشتری را در فرآیند مقابله با جرم دخالت می دهد، علاوه بر بزه کار و دولت، بزه دیدگان و افراد جامعه نیز به همان میزان در جریان قرار می گیرند. در نهایت این سیستم، موفقیت را نیز به گونه ای دیگر ارزیابی می کند، بیش از اینکه به میزان مجازات تحمیل شده توجه کند، میزان آسیب های جبران شده و یا پیشگیری شده را می سنجد (رمضانی و شاکری، ۱۳۹۷: ۳۹).

عدالت ترمیمی الگویی نوظهور و در عین حال کهن و ریشه دار از عدالت کیفری است که از دهه های ۷۰ و ۸۰ قرن بیستم میلادی تجدید یافته است. از نظر اندیشمندان علل گرایش به عدالت ترمیمی در دهه های اخیر ناتوانی سیستم عدالت از کنترل بزه کاری است. در واقع، با افزایش ناگهانی و تأسف بار نرخ جرم، پرسش های اساسی درباره حدود توانایی های عدالت کیفری سنتی و دولت ها در کنترل بزه کاری مطرح شد و از طرف دیگر مقام های دولتی درک کرده اند که کنترل جرم از دو جهت عمده و متمایز فراتر از توان دولت است: ۱- توانایی نهادهای دولتی عدالت کیفری به شدت محدود است؛ و ۲- سازوکارهای مهار کننده ای وجود دارند که خارج از محدوده های دولتی فعالیت داشته و تا اندازه ای مستقل از سیاست های دولت هستند.

این چالش ها منجر به ایجاد و توسعه روش های جایگزین و باز تعریف سهم دولت در عدالت کیفری شد (رحیمی، ۱۴۰۱). امروزه کشورهای زیادی از برنامه های عدالت ترمیمی استقبال کرده اند. به طوری که در سال های اخیر، تلاش های جامعه بین المللی در راستای ایجاد استانداردهای واحد در مورد برنامه های عدالت ترمیمی و برنامه های میانجی گری بسیار قابل توجه بوده است؛ از آن جمله توصیه نامه شورای اروپا در رابطه با میانجی گری و قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد مصوب ژوئیه ۲۰۰۲ را می توان نام برد (عباسی، ۱۳۸۲: ۸۵).

در خصوص میزان بهره گیری سیاست جنایی ایران از جلوه های عدالت ترمیمی باید گفت که در گذشته به ندرت می توانستیم عدالت ترمیمی را در لایه های سیاست جنایی ایران ببینیم؛ لیکن اکنون، می توان جلوه های عدالت ترمیمی را در سطح تقنینی، با پیش بینی نهادهایی مثل داوری و میانجی گری، در سطح قضایی با پیش بینی نهادهایی مثل تعویق صدور حکم، تبدیل و تخفیف مجازات و ... و در سطح اجرا با پیش بینی جبران خسارت (مانند پرداخت جریمه در اثر بهره برداری بیش از حد مجاز از منابع آب به دستگاه اجرایی مربوطه) و در سطح مشارکتی با ظهور خانه های مردم نهاد و حضور آنها در دادرسی ها ملاحظه کرد؛ لیکن، زمینه های ابتدایی شکل گیری عدالت ترمیمی را بیش از همه می توان در ظهور و رونق گرفتن اصول دادرسی منصفانه در سیاست جنایی ایران دید؛ چراکه عدالت ترمیمی به مفهوم کامل آن کمتر بروز کرده است. این پژوهش دنبال بررسی جلوه های عدالت ترمیمی در اصل دادرسی منصفانه است و می خواهد چگونگی تأثیرگذاری این اصول در اهداف عدالت ترمیمی را در سیاست جنایی ایران بررسی کند.

قبل از این، کتابها و مقالات زیادی در خصوص عدالت ترمیمی نگاشته شده است؛ لیکن، در خصوص موضوع این پژوهش - با عنایت به اهمیت و ماهیت بحث - پژوهش متقن و مستقلی انجام نپذیرفته است و عمده تحقیقات موجود سطحی و غیر کاربردی بوده است.

این پژوهش، ضمن بررسی جلوه‌های عدالت ترمیمی در اصول دادرسی منصفانه به دنبال پاسخ به این سؤال است که «چالش اساسی سیاست جنایی ایران برای اجرای کامل برنامه‌های عدالت ترمیمی چیست؟»

بدین ترتیب برای رسیدن به پاسخ این سؤال، نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، ابتدا به ارائه مفهوم اصول عدالت ترمیمی و اصول دادرسی منصفانه پرداخته، سپس زمینه‌های عدالت ترمیمی را در اصول دادرسی منصفانه جستجو می‌کند و نهایتاً، در پایان این جستجو به نتیجه‌گیری متقن در خصوص چالش اصلی سیاست جنایی ایران برای اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی خواهد رسید.

۱- اصول عدالت ترمیمی

مطابق اصل اول عدالت ترمیمی، جرم در ابتدا تجاوز و تعدی به روابط انسانی موجود میان افراد و سپس تعدی به قانون مورد حمایت دولت است. پذیرش این اصل به معنای نادیده انگاشتن اهمیت قانون نیست، بلکه قانون، راهنما و ابزار بسیار مهمی در تنظیم روابط میان افراد با یکدیگر و با دولت است. لیکن باید خاطر نشان کرد که قانون نیز برای آن تصویب شده است که مانع از تعدی به روابط میان مردم گردد (غلامی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). در عدالت کیفری سنتی با تأکید بر نقض قانون و تمرکز بر ابراز واکنش خشونت‌آمیز از طریق اجرای مجازات، در واقع نقض روابط میان افراد و تعدی به حقوق بزه‌دیده مورد اغماض قرار می‌گیرد. در این نظام بزه‌کار به علت ارتکاب جرم محاکمه، محکوم و مجازات می‌شود اما ممکن است هرگز از نتایج وخیم عمل ارتكابی خود نسبت به دیگران مطلع نگردد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۶۳). برای مثال بزه‌کاری که مرتکب سرقت کیف پول یا کیف دستی دیگری شده است ممکن است دستگیر یا مجازات شود، اما احتمالاً هرگز نتایج بعدی عمل خود را ملاحظه نخواهد کرد، درحالی‌که بزه‌دیده مجبور است علاوه بر از دست دادن کیف پول، به دلیل مفقود شدن کارت شناسایی، کارت اعتباری و غیره مدت زمان زیادی را صرف اعاده وضع به حالت سابق نماید (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۷۵). در عدالت کیفری سنتی به این بخش از نقض روابط انسانی و مسائل ناشی از جرم توجه

کافی به عمل نمی‌آید و نیازهای بزه‌دیده اغماض یا انکار می‌شود. دومین اصل کلی عدالت ترمیمی ناظر به ضرورت مشارکت بزه‌دیدگان اعم از بزه‌دیدگان اولیه (مستقیم) و ثانویه (غیرمستقیم)، بزه‌کاران، جوامع محلی و نیز خانواده، دوستان و حامیان بزه‌دیدگان و بزه‌کاران در اجرای عدالت است (جوزان، ۱۳۷۸: ۳۵). به عبارت دیگر، در حقوق کیفری سنتی با استناد به سیمت مدعی یا مدعی علیه از ورود بسیاری از بزه‌دیدگان غیرمستقیم و کسانی که به‌نحوی از انحاء می‌توانند در اجرای عدالت و جبران زیان بزه‌دیدگان مشارکت نمایند جلوگیری می‌شود و در نتیجه حتی ممکن است بزه‌کار به دلیل عدم پرداخت خسارت یا جزای نقدی بازداشت یا محکوم به حبس گردد، درحالی‌که در عدالت ترمیمی امکان مشارکت مستقیم بزه‌دیدگان و کسانی که به‌نحوی از ارتکاب جرم متأثر و به اصطلاح دارای سهمی گردیده‌اند فراهم می‌شود. بدین ترتیب عدالت ترمیمی فرصتی است برای مشارکت اجتماع، کلیسا، مدرسه، مسجد و هر نهاد مذهبی به آموزشی دیگر، خانواده و ارکان مرتبط جامعه برای حل و فصل مشکلات ناشی از جرم و پاسخ به نیازهای بزه‌دیده و بزه‌کار (ارسلو، ۱۳۸۵: ۸۲).

سومین اصل کلی عدالت ترمیمی ناظر به پاسخگویی بزه‌کار در مقابل عمل ارتكابی و نتایج آن است. بزه‌کار باید با نتایج عمل ارتكابی و آثار آن نسبت به بزه‌دیدگان، جامعه و حتی خانواده خود روبه‌رو شوند و از طریق تجربه مستقیم شرایط ناگوار آن‌ها با بزه‌دیدگان همدردی نموده، فعالانه در جستجوی راه‌های جبران ضرر و زیان وارده باشد. علاوه بر این وی باید با اشتغال به شغلی قانونی و انجام اقدامات مثبت، خود را به‌عنوان شهروندی مفید معرفی نموده، از تکرار عمل مجرمانه خودداری کند. از طرف دیگر یکی از اهداف اجرای فرآیندهای ترمیمی، حصول به توافق و آشتی است. درحالی‌که پس از ارتکاب جرم، امکان اعمال مجازات و حتی أخذ انتقام از بزه‌کار وجود دارد، عدالت ترمیمی روشی است برای حصول به توافق و حل و فصل سازنده و مفیدی که در نتیجه اجرای آن بزه‌کار نه مغضوب و نه مظلوم تلقی می‌گردد. وی باید با احساس مسؤلیت و ندامت نسبت به جبران آثار زیانبار جرم اقدام کند تا امکان ترمیم روابط گسسته شده فراهم گردد (پورقهرمانی، ۱۳۸۸: ۶۲).

۱-۱- حقوق بزه‌دیده در پرتو عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی جهت توجه به بزه‌دیده به‌عنوان قربانی اصلی واقعه توجه می‌کند و برآورد نیازهای مادی و معنوی و حقوق وی را در سایه همکاری بزه‌کار و جامعه طلب می‌نماید. یکی از رویکردهای مهم نظام عدالت کیفری، تحت تأثیر تحولات بزه‌دیده‌شناسی، رویکرد قربانی جرم کلیدی مرکزی است. این رویکرد باعث شده است که توجه به نیازهای بزه‌دیده و حقوق وی در نظام عدالت کیفری گسترش یابد (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۵۸). در پی تحولات نوین با رویکرد در ایالات‌متحده آمریکا، قانون حقوق بزه‌دیده در سال ۲۰۰۴ توسط کنگره به تصویب رسیده است. در این قانون حقوقی برای بزه‌دیدگان به رسمیت شناخته‌شده و تلاش شده است که راهکارهایی برای اجرای آن در فرایندهای نظام عدالت کیفری در نظر گرفته شود. این حقوق عبارت‌اند از: حمایت در مقابل متهم، اطلاع و حضور در جلسات دادگاه، شنیده شدن اظهارات بزه‌دیده، مشاوره با وکیل دولت، جبران به‌موقع و کامل، رسیدگی سریع و رفتار کرامت‌مدار. ناتوانی‌های برخی از بزه‌دیدگان در جامعه موجب کاهش اعتمادبه‌نفس آن‌ها است. وقتی این موضوع با وقوع جرم بر ضد آن‌ها همراه می‌شود، بازگشت آن‌ها به روال طبیعی زندگی بسی دشوارتر خواهد بود مانند کودکان، زنان، اقلیت‌ها، سالمندان که حقوق آن‌ها در زمان بزه‌دیدگی پایمال نگردد و بنابراین شناخت حقوق زایل شده آنان ضروری است (حقیقتی، ۱۳۹۵: ۳۶). شناخته شدن به‌عنوان بزه‌دیده، جزو اولین حقوق طلب شده بزه‌دیدگان است. با وقوع جرم توسط بزه‌کار، بزه‌دیده دچار آسیب می‌شود و در صدد بازبازی جایگاه قبلی خود هست. می‌تواند از دست دادن مال یا آبرو و ارزش انسانی باشد، باید امکان باز پس گرفتن آن برای وی محیا شود. در بسیاری از جرایم مانند تجاوز و خشونت‌های تجاوز جنسی از ترس آبرو به پلیس گزارش نمی‌شود. وقتی فرد خود را بزه‌دیده نپندارد و خود را در معرض سرزنش دیگران باشد و در واقع خود را مورد توجه نبیند جرم را به مراجع قضایی اعلام نمی‌کند (رستم پور، ۱۳۹۵: ۶۹). آگاه نمودن فرد بزه‌دیده از تغییرات و تحولات و مراحل پرونده بدون لزوم مراجعه حضوری وی از حقوق بزه‌دیده است. حق مطلع شدن بزه‌دیده بر شکل دعوی

کیفری، مدنی و اداری است تا در امر رسیدن به خواسته‌هایش عدم آگاهی حقیقت را ضایل نکند و حتی این آگاهی در وصول جبران خسارت مؤثر است. به‌عنوان نمونه بزه‌دیده حق دارد کاملاً روشن از روند رسیدگی مکان زمان و ساعت دادرسی و اعتراضات بزه‌کار بخصوص مواقعی که به نفع وی نیست مثل تعلیق حکم، منع تعقیب و آزادی مشروط آگاه شود و همچنین از گزارشات پزشکی قانونی و مددکاری و روان‌شناسی که در جبران خسارت نقش دارند آگاه شود (شامیاتی، ۱۳۸۴: ۲۱۵). برای مثال در استرالیا، کانادا و هلند و آمریکا افرادی را جهت اطلاع‌رسانی به بزه‌دیده و دادن آگهی به وی استخدام دارند این امر در ایران به‌صورت آزمایشی در مشهد نیز در حال اجرا است. که از اهداف آن شناسایی مشکلات و اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان در امر دادرسی جهت دادرسی بهتر است (آزادی، ۱۳۹۱: ۴۵). از دیگر حقوق آگاهی بزه‌دیده حق مشاوره است بدین معنا که توصیه و مشاوره به بزه‌دیده داده شود شناخت پرونده و کارشناسان مربوطه از ابتدا تا جبران خسارت مانند بیمه، مرکز پرداخت دیه، کمیته امداد و... و شرایط استفاده از آن‌ها که معمولاً مشاورات در امر دادرسی نیازمند وکیل است که باید این امکان برای همگان میسر باشد و برای افراد کم‌درآمد باید تمهیداتی جهت داشتن وکیل وجود داشته باشد. بزه‌دیده حق دارد که از هر نوع جلسات رسیدگی دادگاه و تصمیمات آن با خبر شود. این جلسات متنوع هست. در این جلسات به بررسی واقعه مجرمانه و رفتاری که بزه‌کار با بزه‌دیده انجام داده و موجب ایراد خسارت به وی شده است، پرداخته می‌شود (اعظمی، ۱۳۹۲: ۴۸). بزه‌دیده باید از این جلسات آگاه بوده تا بتواند به موقع نسبت به اعلام نظرات خود اقدام کند.

۱-۲- حق دسترسی به عدالت کیفری

از نشانه‌های پیشرفت یک جامعه، داشتن مقرراتی است که به موجب آن فراهم‌آوری حق دسترسی همگان به عدالت کیفری است. باید سعی کرد تمهیداتی اندیشید که موانع این امر را از سر راه افراد جامعه برداشت موانعی مانند: ترس، ناتوانی جسمی و روانی، نبودن آگاهی، پیچیدگی دادرسی، مسافت، مراجعان زیاد و هزینه‌های بالا و... که باید تلاش

موضوع که می‌تواند رضایت بزه‌دیده را جلب کند و باید عوامل مانع‌گر را از بین برد. مانند اینکه بعضی مأموران علاقه‌ای به ورود به تنش‌های داخل خانواده ندارند یا اینکه تا به جای جرح و قتل نرسیده دخالت نمی‌کنند و در اقسام جرایمی که دیدگاه مأمور در ظاهر بزه‌دیده به‌عنوان مقصر در بزه‌دیدگی تلقی شود مانند ظاهر و طرز رفتار و لباس زن بزه‌دیده‌ای را ببیند و سعی در سرزنش وی در مؤثر بودن در بزه به‌جای دلجویی از وی می‌تواند جزو موانع این پذیرش قرار گیرد. بنابراین تکلیف پلیس رفتاری محترمانه، دلسوزانه و بی‌طرفانه، همراه با رازداری در مقابل بزه‌دیده است (شامبیاتی، ۱۳۸۵: ۹۱). محور اصلی بزه‌دیدگان اقشار ضعیف‌تر جامعه است باید مراکز رسیدگی قضایی طوری باشد که امکان پذیرش همه اقشار و سهولت پذیرش و سرعت مناسب و امکانات کافی جهت پذیرش آنان میسر باشد. همان‌طور که اشاره شد در عدالت ترمیمی، توجه از بزه‌کار و مجازات وی کم شده و به سمت بزه‌دیده و توجه و پذیرش وی به‌عنوان فرد اول نیازمند پذیرش و درک افراد دخیل در بزه تلاش جسته است که در حمایت از این حق بزه‌دیده قادر خواهد بود تلاش مؤثری نماید. حق حمایت نیز از جمله خدماتی جهت بزه‌دیده است که بتواند هم خسارات روانی و جسمی را کاهش دهد و هم از ضرر بیشتر بر او پیشگیری کند. در اولین برخورد فرد بزه‌دیده با پلیس شروع شده و تا پایان صدور حکم در دادگاه ادامه دارد. این حقوق شامل حق گوش دادن، آگاهی و حمایت است (طاهری، ۱۳۸۵: ۴۸). تحولات بزه‌دیده‌شناسی در سال‌های اخیر، در ایالات متحده، موجب به رسمیت شناخته شدن حقوقی برای بزه‌دیدگان شده است. این حقوق عبارت‌اند از: حق حمایت از بزه‌دیده در مقابل متهم، حق اطلاع از هرگونه جلسات دادگاه، حق حضور در تمامی جلسات دادرسی، حق شنیده شدن اظهارات بزه‌دیده، حق شنیده شدن اظهارات بزه‌دیده، حق مشاوره با وکیل دولت، حق جبران به‌موقع و کامل خسارت، حق رسیدگی سریع و بدون تأخیر، حق رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده است. ابتدایی‌ترین قدم گوش دادن به شکایات بزه‌دیده است و دلسوزی و همدردی در حین آن بر شنونده ضروری است. سخنان وی باید شنیده شده و سبک و سنگین شود و همه جوانب امر مورد تفکر و بررسی قرار گیرد.

شود موانع دسترسی کیفری در جامعه برداشته شود (حبیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۸).

۱- دسترسی به قانون و وکیل و پلیس باید راحت باشد.
۲- هزینه‌های دادرسی کاسته گردد یا از نهادهای دیگر حمایتی پرداخت شود.

۳- انجام شکایت ساده باشد؛ مشارکت فعال بزه‌دیده در فرایند دادرسی بسیار کمک‌کننده هست.

۴- سرعت دادرسی مناسب باشد. از حقوق بشری بزه‌دیده و بزه‌کار این است که همه افراد این حق را دارا می‌باشند که در مهلتی معقول به دعوی‌شان رسیدگی شود بویژه اینکه این امر متناسب با جبران خسارت گردد.

۵- اجازه اظهارنظر به بزه‌دیده در دادرسی داده شود یعنی نظر بزه‌دیده در تعلیق تعقیب، مجازات، مرخصی یا دادن آزادی مشروط به بزه‌کار، مورد توجه دادرس قرار گیرد. در عدالت ترمیمی از آنجا که مرکز توجه بر بزه‌دیده است محور اصلی عدالت کیفری و دسترسی آن فرد بزه‌دیده است و این شیوه اگر با توجه به فرهنگ اجتماعی و اصول قانونی کشور در نظام قانونی گنجانده گردد، توانایی افزایش دسترسی بیشتر بزه‌دیده به عدالت کیفری را دارا است (پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی، ۱۳۹۲: ۳۱۴).

یکی دیگر از حقوق شناسایی که لازمه تمام کشورها است حق پذیرش بزه‌دیده است. بدین معنا که بزه‌دیده در تمامی مراجع رسمی و غیررسمی مربوط مورد پذیرش قرار گیرد. مانند: اداره پلیس، نهادهای رسمی و مدنی، دادگستری، واحدهای خدمات بهداشتی، ادارات بیمه، واحدهای اجتماعی و... نه‌تنها دسترسی آسان داشته باشند و در ساعات مختلف و روزهای تعطیل دایر باشند و افراد مختلف را مورد پذیرش قرار دهند بخصوص کودکان که تحت خشونت خانگی قرار می‌گیرند و امکانات ثبت واقعه قربانی بزه‌دیده را در همان ابتدا داشته باشند و امکانات آزمایشات روانی و جسمانی و مددکاری داشته باشند و امور را با رازداری کامل انجام دهند (جمشیدی، ۱۳۸۷: ۴۲). یکی از ابعاد اولیه در پذیرش بزه‌دیده پلیس است که اولین مقام مسؤول برخورد با بزه‌دیده است که باید دارای جنبه‌های حمایتی اولیه روحی، جسمی، پزشکی و اطلاعاتی را داشته باشد و همچنین برخورد جدی پلیس با

که در مورد اعطای آزادی مشروط به بزه‌کار بحث می‌شود (میری، ۱۳۹۰: ۳۲). علیرغم لزوم منطقی تعبیر حق شنیده شدن به حق بیان، با این حال به دلیل فقدان رویه قضایی معینی به نظر می‌رسد که هنوز رویه قضایی ایالات متحده به خوبی این حق را به رسمیت نشناخته است و محاکم این کشور در عمل این حق را به‌عنوان یک توجیه برای شنیدن اظهارات بزه‌دیده در مواقعی خاص می‌دانند. این امر را می‌توان از تعابیر مختلفی که از این حق، در محاکم صورت گرفته و یا آرائی که حتی برخلاف این حق صادر شده است، به دست آورد، به‌عنوان مثال، در پرونده مارسلو، قاضی استدلال می‌کند که قانون به‌صورت واضح و غیر مبهم حکم به ارائه شفاهی اظهارات بزه‌دیده ن داده است حق شنیده شدن را به معنی توجه به اوراق و اسناد و ادله بزه‌دیده تعبیر کرده است (طه، ۱۳۹۰: ۴۹). مطابق این رأی: قانون به بزه‌دیدگان حق داده است که اظهارات آنان به‌طور معقولی شنیده شوند. قانون عادی و حقوق موضوعه نوعاً تنها شامل توجه به اوراق معنا می‌شود. حقوق موضوعه که شامل معقول بودن مقررات و واژه حقوقی (فرصت شنیدن) هردو، می‌باشد مستلزم پذیرش اظهارات شفاهی در هر موقعیتی نیست، مخصوصاً زمانی که اظهارات مطرح شده بزه‌دیده مناسب حکم نباشد. همچنین در رأی دیگر، قاضی دادگاه حق شنیده شدن را به حق خطابه تعبیر کرده و آن را جدای از ارائه واقعیت‌ها و استدلال‌های بزه‌دیده در نظر گرفته است. بر اساس این رأی به بزه‌دیدگان حق داده شده است که اظهارات آنان به‌طور معقولی در جلسات رسیدگی عمومی از جمله جلسات مربوط به تعیین مجازات شنیده شوند. این یک حق خطابه است، شبیه این که به‌طور سنتی برای یک متهم جنائی - قبل از این که مجازات وضع شود - این حق تعیین شده است و یک حق برای ارائه ادله و استدلال حقوقی نیست. با این حال علی‌رغم اختلافاتی که در تفسیر این حق به وجود آمده، در بعضی از ایالات، حق مشارکت بزه‌دیده در مرحله دفاعیات به رسمیت شناخته شده است به‌عنوان مثال در ایالات و ردن جونز و تیجرینو از حداقل ۲۲ ایالت آمریکا، دادستان‌ها ملزم می‌باشند که با بزه‌دیدگان مشورت کنند یا از نظرات آن‌ها در ارتباط با توافقات دفاعی پیروی کنند. همچنین در ایالت ویرجینیا

یکی دیگر از پیشنهادات تشکیل پرونده است که نباید مختص بزه‌کار باشد بلکه مختص بزه‌دیده باید تشکیل گردد و خسارت وارده به همراه اطلاعات مشخصات و آدرس وی ... است. بنابراین این حق را دارد که مجدد مسأله را برای فرد جدیدی توضیح ندهد که این امر خود بر خسارت روانی وی می‌افزاید (شوندشت، ۱۳۹۳: ۵۸). همچنین توجه در هنگام گوش دادن به بزه‌دیده و ثبت اظهارات است زیرا واکنش روانی نشان‌دهنده میزان آسیب روحی وارد شده به وی است در صورتی که ضربات روحی شدید و غیر قابل تحمل باشد حضور یک روان‌شناس در هنگام ثبت ممکن است ضروری باشد (عودی و مندنی، ۱۳۹۵: ۱۱۸). حق شنیده شدن که از جمله حقوق مندرج در حقوق بزه‌دیدگان در آمریکا مصوب ۲۰۰۴ هست، به مفهوم این است که باید اظهارات بزه‌دیده در کلیه مراحل قضایی و به‌خصوص در جلسه دادرسی در دادگاه شنیده شده و مورد توجه قرار گیرد. این حق به‌صورت دیگری در اعلامیه اصول پایه نیز مورد تأکید قرار گرفته است. مطابق بند ۶ این اعلامیه، اجازه طرح و در نظر گرفته شدن دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیدگان در مراحل مناسب رسیدگی‌ها بدون غرض‌ورزی نسبت به متهم و هماهنگ با نظام عدالت جنایی داخلی مربوط، وقتی اثرپذیری منافع شخصی بزه‌دیدگان در میان باشد، از حقوق بزه‌دیده به حساب می‌آید. حق شنیده شدن به‌طور منطقی در صورتی قابل اجرا است که بزه‌دیده در جلسه دادرسی سخن بگوید و به سخنان او گوش داده شود و به عبارت دیگر، حق شنیده شدن را به معنای حق بیان در نظر بگیریم. مطابق بند ۴ بخش A، بزه‌دیده حق دارد که به‌طور معقولی در هر جلسه رسیدگی عمومی در دادگاه بخش (ناحیه) که شامل جلسات رسیدگی مربوط به آزادی دفاعیات، تعیین مجازات یا آزادی مشروط است، شنیده شود. بنابراین مطابق این بند، بزه‌دیده حق دارد که در کلیه جلساتی که به نوعی درباره بزه و سرنوشت بزه‌کار تصمیم‌گیری می‌شود، اظهارات خود را بیان کند و دادگاه نمی‌تواند مانع از اظهار نظر بزه‌دیده گردد. محدوده این جلسات نیز گسترده بوده و عبارت‌اند از جلسات مربوط به بررسی آزادی متهم، جلسات استماع دفاعیات متهم، جلسات بررسی و تعیین میزان و نوع مجازات و نهایتاً جلساتی

توافقات دفاعی ممکن نیست به وسیله دادگاه پذیرفته شود، مگر این که دادستان با مقررات در خصوص مشورت با بزه‌دیدگان موافقت کرده باشد (ناجی، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

۲- زمینه‌های عدالت ترمیمی در بروز اصول دادرسی منصفانه در سیاست جنایی ایران

در این مبحث ابتدا به تعریف دادرسی پرداخته و سپس ضوابط و معیارهای آن مورد بررسی قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از وجود دادگاه‌های صالح، تساوی افراد در برابر قانون، علنی بودن دادرسی و رسیدگی در یک مدت معقول. در مواد ۱۴ و ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به شرایط دادرسی منصفانه در قالب برگزاری محاکمه‌های ترافعی، استقلال و بی‌طرفی محاکم در صدور رأی و روند رسیدگی از رویکردهای حمایتی در عدالت ترمیمی و دادرسی عادلانه در صدور آرا است. در رویکرد توجه به نظام دادرسی عادلانه و عدالت ترمیمی در ایالات متحده آمریکا برگزاری دادرسی در برابر قاضی و اعضای هیأت منصفه در کمال بی‌طرفی و صرفاً با هدف اجرای قوانین تأکید شده است. یکی دیگر از موضوعات قابل بررسی در اصول اجرای عدالت ترمیمی و دادرسی عادلانه ایجاد فضای امن و خارج از نگرانی و تنش برای گواهان یک پرونده است تا بتوانند بدون نگرانی از نتایج صدور رأی دادگاه و در فضایی امن به شهادت و ارائه مستندات بپردازند. در کنار رعایت اصولی چون اصل بی‌طرفی دادگاه، ایجاد فضای آرام و بدون تنش برای گواهان رعایتی اصولی همچون برابری جرم و مجازات، علنی بودن دادگاه و تفکیک مراحل رسیدگی و جلوگیری از صدور مجازات‌های نابرابر، غیر اصولی و قاهرانه از رویکردهای دادرسی عادلانه و سیستم عدالت ترمیمی است (طه، ۱۳۹۰: ۴۸). یکی از چالش‌های اساسی پیش روی اجرای دادرسی عادلانه نبود ضمانت اجرای کافی در اجرای اصول و قواعد دادرسی عادلانه است و صرفاً از نظر شکلی بیشتر معطوف شکل برگزاری است تا قوانین و ضمانت اجرای جدی و مؤثر در برخورد با صدور آرای نامتناسب در اجرای دادرسی عادلانه، می‌توان چنین نتیجه گرفت که رسیدگی در دادگاه‌هایی که مبنای قانونی ندارند و در تشکیل آنها هیچ تشریفات قانونی نیز رعایت نشده و دارای صلاحیت ذاتی نباشند و مغایر با اصول و معیارهای حاکم بر دادرسی

عادلانه باشد، نیازمند ضمانت اجرای قوی و اصولی است. در ساختار قضایی ایران رسیدگی‌های صورت گرفته در دادگاه‌های مستقر در حوزه‌های قضایی بخش‌ها نسبت به دعاوی که در صلاحیت ذاتی این بخش‌ها نباشد و صرفاً بر اساس ابلاغ رئیس قوه قضاییه و مطابق ماده ۵ قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ صورت می‌پذیرد که از مصادیق چالش‌های مطروحه در این حوزه است. یکی دیگر از چالش‌های پیش روی اجرای دادرسی عادلانه صدور آرا توسط قاضی بی‌طرف است که علاوه بر عدم پیش داور قضا در صدور آرا توجه به تخصص و اشراف به نوع پرونده نیز از مصادیق چالش‌های پیش روی برقراری دادرسی عادلانه است.

۲-۱- چگونگی ظهور دادرسی عادلانه در سیاست جنایی ایران

اعدام‌های فاقد حکم محکومیت و یا صدور آرای بدون اجرای مراحل دادرسی و انجام مجازات‌های خودسرانه نمونه‌هایی از عدم دادرسی عادلانه بوده که امروزه در سطوح داخلی و بین‌المللی به دنبال راهکارهایی برای برون رفت از این چالش‌ها هستیم. به‌عنوان نمونه یکی از قدیمی‌ترین قوانین در دادرسی‌های عادلانه به لوح حمورابی بر می‌گردد که توسط سومریان در ۴۰۰۰ سال قبل تدوین شده است (شوندشت، ۱۳۹۳: ۶۶). حتی رد پای دادرسی عادلانه در منشور کوروش هم به چشم می‌خورد که پیشتر به احقاق حقوق فردی توجه داشته و حتی توجه به عدالت ترمیمی در صدور مجازات‌ها را می‌توانیم در این منشور ببینیم. به جرأت می‌توان گفت از جمله اسناد الزام‌آوری هستند که به دادرسی عادلانه و احقاق حقوق افراد پرداخته‌اند و در زمینه‌های مختلف در حقوق همچون حقوق کیفری و حقوق مدنی یکی از اسناد معتبر قدیمی بشمار می‌آیند (طاهری، ۱۳۸۵: ۷۳). در سایر تمدن‌های باستانی همچون روم و یونان نیز شاهد اصولی هستیم که بر دادرسی عادلانه تأکید دارد، اگرچه هرگز نمی‌توان واژه‌ها و تعبیری یافت که توجه به برگزاری جلسات علنی و استماع از اظهارات هر دو طرف دعوی و صدور احکام عادلانه از ویژگی‌های دادرسی عادلانه در آن عصر به شمار می‌رفته، نقل شده است که «در یک مورد مجلس سنا در پی

از مهم‌ترین معیارها و ضوابط حاکم بر دادرسی عادلانه است که به اختصار مورد مطالعه قرار می‌گیرد (عودی و مندنی، ۱۳۹۵: ۴۲).

۲-۲-۱- وجود دادگاه‌های بی‌طرف، مستقل و صالح

از معیارهای اساسی در دادرسی عادلانه وجود دادگاه‌های بی‌طرف، مستقل و صالح برای رسیدگی به دعاوی است. از معیارهای دادرسی منصفانه انطباق دادرسی با قوانین مرتبط با اعاده دادرسی است. این امر نشان می‌دهد نبود مبنای قانونی در تشکیل و برگزاری دادگاه که صلاحیت ذاتی به رسیدگی امور محول شده را نداشته باشد، بر خلاف اصول دادرسی عادلانه است. به‌عنوان نمونه برگزاری دادگاه‌های صرفاً با ابلاغ رئیس قوه قضاییه در حوزه‌های قضایی بخش‌ها در صلاحیت ذاتی این محاکم نبوده که منطبق با ماده ۵ آیین نامه قانون اصلاح دادگاه‌های عمومی و انقلاب برگزار می‌گردد، اشاره کرد (غلامی، ۱۳۹۰: ۷۲). یکی دیگر از مصادیق دادرسی عادلانه وجود بی‌طرفی قاضی است که بدون پیش داور و صرفاً بر اساس استماع طرفین صورت پذیرد، از این اصل می‌توان به چالش برگزاری دادگاه‌های فوق‌العاده یا ویژه اشاره کرد که به دلیل سرعت در رسیدگی و خارج از عرف روند دادخواهی نتوانسته در مسیر دادرسی عادلانه قدم بردارد.

۲-۲-۲- تساوی افراد در پیشگاه قانون و محاکم

از جمله تضمین‌هایی که در بند ۱ از ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی مدنی و سیاسی و ماده ۱۰ از اعلامیه جهانی حقوق بشر به آن اذعان شده تساوری افراد در محاکم در برابر قانون است (شامبیاتی، ۱۳۸۴: ۶۳). با توجه به اینکه اصل ممنوعیت تبعیض در وضع و اجرای قوانین کیفری است، لذا در این بخش از برابری افراد در مقابل دادگاه بحث می‌کنیم. اصل برابری افراد در پیشگاه دادگاه‌ها در بر دارنده چند اصل ضروری است. متضمن چند نکته مهم و اساسی است: نخست اینکه دادگاه‌ها با طرفین دعوا رفتار مساوی و برابر داشته باشند، بنابراین خصوصیات و ویژگی‌های ذاتی و یا اعتباری افراد از قبیل رنگ، نژاد، زبان، ملیت، مذهب، جنسیت و افکار و عقاید نباید موجب تمایز و تبعیض میان آنان شود. دوم

محکوم کردن فردی بدون دادرسی بوده که در دوران امپراطور نرون یکی از سخن چینان بدنام بوده است. شماری از سناتورها در مقام اعتراض برآمدند که باید فرصتی داده شود تا اتهامات انتشار یابد و اینکه حتی مقصرتین و منفورترین متهمان نیز باید مطابق عرف، حق دسترسی به رسیدگی قضائی را داشته باشند.» (پژوهشکده قوه قضاییه، ۱۳۹۲: ۱۱۴). توجه به استماع طرفین دعوی و بررسی مستندات ارائه شده یکی از ضمانت‌های اجرا در ساختار دادرسی عادلانه است. مضامینی از این دست بی‌تردید بسیار نزدیک به مفاهیمی اخلاقی است که مبنای اصول پذیرفته شده امروزی تحت عناوین «دادرسی عادلانه» یا «رعایت قانونی» است. این جمله که «حتی اگر رأی او در واقع عادلانه باشد، عادلانه رفتار نکرده است» به‌خوبی آن قاعده معروف را در ذهن تداعی می‌کند که «عدالت نه تنها باید اجرا شود، بلکه باید اجرای آن مشهود و محسوس باشد». توجه به روند رسیدگی و دوری از پیش‌داوری و صدور احکام متناسب با حقوق و شرایط بزه‌کار و بزه ریشه در حقوق فطری دارند. مطابق با آموزه‌های سقراط و افلاطون «قانون طبیعی قانونی است که باز نمای نظم طبیعی جهان به‌ویژه اداره خدایان است که طبیعت را کنترل می‌کنند.» داستان مشهور آنتیگون از این باور حکایت می‌کند (حقیقی، ۱۳۹۵: ۶۲). تفکرات آنتیگون حقوقدان رومی که حقوق طبیعی را متعلق به همه اشخاص می‌داند و به نوعی تفکرات امروز در اسناد بین‌المللی در حقوق بین‌الملل خصوصی که رجوع به محاکم و حق دسترسی به عدالت قضایی را برای اتباع بیگانه نیز محفوظ دانسته و به دنبال قانون مناسب در برگزاری روند دادرسی و صدور احکام قضایی است (رستم‌پور، ۱۳۹۵: ۲۱۸).

۲-۲-۲- ضوابط و معیارهای دادرسی عادلانه و نحوه ارتباط آنها

به برنامه‌های عدالت ترمیمی

با توجه به تعریف ارائه شده و معیارهایی که در نظام حقوق بشر پیش‌بینی شده است، وجود دادگاه‌های صالح و مستقل و بی‌طرف، تساوی افراد در برابر قانون و دادگاه، علنی بودن دادرسی، محاکمه سریع و بدون تأخیر موجه، رسیدگی توسط قضاوت صالح و متخصص، لزوم رعایت تضمین‌های شکلی و ماهوی مربوط به حقوق طرفین دعوا (متهم بزه‌کار و بزه‌دیده)

اینکه، دادگاه باید سعی کند میان اصحاب دعوا توازن و تعادل برقرار کند، به عبارت دیگر اصل «برابری امکانات طرفین» یا «موازنه قوا» را مورد توجه قرار دهد. بنابراین چنانچه دادرسی در شرایطی انجام شود که یکی از اصحاب دعوا نسبت به دیگری در موقعیت نامساعدی قرار گیرد، در این صورت باید در مورد منصفانه بودن دادرسی تردید نمود. برای مثال حضور نماینده دادرسی و عدم دعوت از متهم یا وکیل او در مرحله تجدیدنظر، جایی که رسیدگی ماهوی صورت گرفته و حکم صادر شده، نقض آشکار اصل برابری اصحاب دعوا و نادیده گرفتن منصفانه بودن محاکمه است. سوم اینکه تشکیلات دادگاه‌ها، آیین رسیدگی به اتهامات افراد و تسهیلات و امتیازات اعطایی به آنان جز در موارد رسیدگی به جرائم خاص مثل جرائم نظامی و جرائم اطفال باید نسبت به همه شهروندان یکسان باشد، بنابراین تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به اتهامات وارده بر قشر یا طبقه خاصی از افراد، آن هم با وجود عمومی بودن جرائم آنان، مغایر با اصل برابری افراد در مقابل دادگاه است، به عبارت دیگر همانگونه که تساوی افراد در برابر دادگاه ضروری است، تساوی دادگاه در برابر شهروندان نیز علی‌الاصول امری ضروری است (میری، ۱۳۹۰: ۳۱۸).

۲-۲-۳- علنی بودن دادرسی

یکی از مصادیق اجرای دادرسی عادلانه برگزاری تمامی جلسات دادگاه به شکل علنی و حضور شرکت‌کنندگان و آگاهی یافتن از تمامی مراحل دادرسی است. از مهم‌ترین دستاوردهای علنی برگزار شدن دادگاه‌ها نظارت عمومی بر روند رسیدگی و بی‌طرفی قاضی و هیأت منصفه در صدور رأی است که این خود سبب اعتماد عمومی به سیستم قضایی می‌شود و خود از مصادیق اصل اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی برقراری عدالت در جامعه است. فقط در صورتی می‌توان از برگزاری دادگاهی به صورت علنی استنکاف کرد که علنی بودن آن مخالف نظم عمومی و جریحه‌دار شدن عفت عمومی باشد. اصل علنی بودن محاکمه در نظام حقوقی ایران، علاوه بر قانون اساسی در قوانین عادی نیز پیش‌بینی شده است (ناجی، ۱۳۸۹: ۱۱۷). به موجب اصل ۱۶۵ قانون اساسی ایران «محاکمات می‌تواند علنی و با حضور افراد برگزار شود.

فقط در صورتی می‌تواند غیر علنی باشد که منافعی عفت و نظم عمومی شود. بخصوص در دعاوی خانوادگی و امور شخصی اشخاص که برای رعایت حل طرفین بهتر است غیر علنی برگزار شود. در اصل ۱۶۸ قانون اساسی به اجرای دادرسی عادلانه بخصوص در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و با حضور هیأت منصفه تأکید شده و نیازمند اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی است. مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافعی عفت یا نظم عمومی باشد...». اصل علنی بودن محاکمه در نظام حقوقی ایران، علاوه بر قانون اساسی در قوانین عادی نیز پیش‌بینی شده است. با وجود این قبیل مقررات در تصریح اصل ۱۶۸ قانون اساسی به اینکه رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی باید علنی و با حضور هیأت منصفه و در محاکم دادگستری انجام شود، جرائمی که علیه امنیت کشور و با ماهیت کاملاً سیاسی نیز باشند مانند کودتا، براندازی به شکل غیرعلنی و سرّی و در محاکم خاص برگزار می‌گردد (شامباتی، ۱۳۸۵: ۳۸). از طرف دیگر مفاهیم «نظم عمومی»، «اخلاق حسنه»، «امنیت عمومی» که در قانون اساسی و قوانین عادی دادرسی ذکر گردیده‌اند، چندان واضح و روشن نبوده و تاب و توان تفسیرهای مختلف و متفاوت را دارند و لذا می‌توان گفت که ممکن است قاضی در مواردی محاکمه را به بهانه مخالف با عفت و نظم عمومی غیر علنی برگزار کند و در عمل قاضی می‌تواند هر نوع محاکمه‌ای را با این بهانه که علنی بودن آن مخالف اخلاق حسنه و عفت عمومی و یا نظم عمومی است، غیرعلنی اعلام نموده و بدین ترتیب متهم را از یک نوع دادرسی عادلانه محروم نماید؛ بنابراین قانونگذار باید جرائمی را که رسیدگی علنی به آن‌ها مغایر با نظم عمومی و اخلاق حسنه است، دقیقاً در قانون مشخص نماید. علاوه بر آنچه که گفته شد، به این نکته هم باید اشاره کرد که در تبصره ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مطبوعات از انتشار جریان دادرسی قبل از قطعی شدن حکم منع گردیده بودند که خود این امر با اصل علنی بودن محاکمه و رسالت مطبوعات که همانا روشن کردن افکار عمومی از جریان دادرسی است، مغایرت داشت؛ اما به موجب قانون اصلاح تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و

برداشتن گام‌های بلندتر و جدی‌تری است. در این ارتباط می‌توان در پاسخ به سؤال ابتدایی تحقیق که عبارت است از اینکه: «چالش اساسی سیاست جنایی ایران برای اجرای کامل برنامه‌های عدالت ترمیمی چیست؟» چنین پاسخ داد که چالش اساسی سیاست جنایی برای اجرای کامل برنامه‌های مذکور، انحصاری بودن قدرت تصمیم‌گیری در مورد مجازات‌ها در حیطه اختیارات قضات محاکم در سیاست جنایی ایران است. در واقع می‌توان گفت که اگرچه ظهور نهادهایی مثل میانجیگری، تاحدودی این انحصار قضایی را سبک‌تر کرده است؛ لیکن این کاهش انحصار، صرفاً در جرایم کم‌اهمیت صورت گرفته است و هنوز در سیاست جنایی کشور ما، اختیاری برای صدور رأی به سبک جمعی عدالت ترمیمی وجود ندارد و قضازدایی به این شکل که از اهداف عدالت ترمیمی است، هنوز در جرایم جدی امکان‌پذیر نیست.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- ارسلو، دلای (۱۳۸۵). *سیاست*. ترجمه حمید عنایت، چاپ پنجم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- آزادی، محمدرضا (۱۳۹۱). *حقوق کاربردی مصرف‌کننده*. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ و الحاق ۳ تبصره به آن مصوب ۱۳۸۵ تا حدودی این اشکال برطرف گردید و این اجازه به مطبوعات و رسانه‌ها داده شد تا از جریان دادرسی گزارش تهیه نموده و بدون اشاره به هویت فردی و موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و متشاکی عنه آن را منتشر نمایند (طه، ۱۳۹۰: ۷۵). از دیگر ویژگی‌های دادرسی عادلانه رسیدگی به روند دادرسی در مدت زمان معقول است چراکه اطلاع دادرسی می‌تواند حقوق اولیه طرفین دعوی را که رسیدگی به‌موقع و احقاق حق است به تعویق بیانجامد و سبب خسارات بیشتری به دو طرف دعوی گردد. این امر از طرفی می‌تواند میزان اعتماد جامعه به دستگاه قضایی را کم کند. توجه به این امر حتی در اسناد بین‌المللی نیز مورد اشاره قرار گرفته برای نمونه می‌توانیم به بند ۳ از ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی در خصوص حقوق مدنی و سیاسی اشاره کنیم که مصداق این سند در بند یک از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز مورد تصریح قرار گرفته است. در اصلاحیه چهاردهم از قانون اساسی آمریکا نیز مورد تأکید قرار گرفته است. (شامبیانی، ۱۳۸۵: ۴۴). باید خاطر نشان کرد عواملی نیز وجود دارند که اطلاع دادرسی از سوی طرفین دعوی صورت می‌گیرد به‌طورمثال تعویض مداوم وکیل و مطرح کردن دعوایی جدید که دادرسی به پرونده اصلی را به تأخیر می‌اندازد اما آنچه حائز اهمیت است رسیدگی عادلانه در مدت زمان معقول و منطقی به پرونده‌های مطروحه در محاکم است که حتی ازدیاد پرونده‌ها نمی‌تواند از موجبات رافع مسؤولیت دستگاه قضایی در رسیدگی عادلانه به پرونده‌ها باشد (عودی و مندنی، ۱۳۹۵: ۱۴۶).

نتیجه‌گیری

از مطالعات صورت گرفته در این پژوهش، این نتیجه به دست آمد که جلوه‌ها و زمینه‌های عدالت ترمیمی را می‌توان در اصول دادرسی عادلانه ظهور یافته در سیاست جنایی ملاحظه کرد؛ چراکه حق دسترسی به دادرسی و دادگاه‌های بی‌طرف، تساوی افراد در برابر قانون و محاکم و نیز علنی بودن رسیدگی همه از ابزارهای تحقق مشارکت در دادرسی و ترمیم خسارت‌های حاصل از جرم است؛ اما ملاحظه برنامه‌های کامل عدالت ترمیمی در سیاست جنایی ایران، مستلزم

- اعظمی چهاربرج، حسین (۱۳۹۲). نحوه عملی رسیدگی در شعب سازمان تعزیرات حکومتی (بدوی-صنفي). جلد اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). مصلحت و سیاست رویکردی اسلامی. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- آقابابایی، حسین (۱۳۸۹). قلمرو امنیت در حقوق کیفری. چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی (۱۳۹۲). مجموعه آرای شعب دیوان عدالت اداری. چاپ اول، تهران: قوه قضاییه مرکز مطبوعات و انتشارات.
- پور قهرمانی، بابک (۱۳۸۸). طرق فوق العاده اعتراض به احکام کیفری. چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۰). سیاست جنایی مشارکتی. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- جمشیدی، علی (۱۳۸۷). «مطالعه موردی در تعزیرات حکومتی». نشریه علوم انسانی، دوره ۷ (۲۱): ۴۲-۴۳.
- جوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. ترجمه پژوهشگاه مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۸۹). سرقت در حقوق کیفری ایران. چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.
- حقیقی، لیلا (۱۳۹۵). «عدالت ترمیمی در دستگاه‌های اجرایی، بررسی اهداف و جایگاه آن». دومین کنفرانس ملی راهکارهای توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- رستم‌پور، آرمان (۱۳۹۵). «میزان سازگاری ضمانت اجرای فقه جزایی امامیه با عدالت ترمیمی». پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز.
- رضائی، غلامحسین و شاکری، یاسر (۱۳۹۷). «عدالت ترمیمی در نظام حقوقی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی». فصلنامه تمدن حقوقی، ۱(۱): ۳۹-۶۵.
- رحیمی، حسام الدین (۱۳۹۶). عدالت ترمیمی. تهران: انتشارات بنیاد حقوقی آرمان.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۴). حقوق جزای عمومی. چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات مجد.
- شامبیانی، هوشنگ (۱۳۸۵). حقوق جزای اختصاصی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات مجد.
- شونددشت، مارال (۱۳۹۳). «عدالت ترمیمی و بررسی مصادیق آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، البرز: دانشگاه پیام نور.
- طاهری، محمد علی (۱۳۸۵). خشونت ساختاری و فرآیند عدالت کیفری. چاپ اول، تهران: انتشارات محراب فکر.
- طه، فریده (۱۳۹۰). بررسی کنگره‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- عباسی، مصطفی (۱۳۸۲). «عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری». پژوهش حقوق عمومی، ۵(۹): ۸۵-۱۲۹.
- عودی، محمدرضا و مندنی، اسلام (۱۳۹۵). «جایگاه آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی در نظام حقوقی ایران». کنفرانس جهانی روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی.
- غلامی، حسین (۱۳۹۰). عدالت ترمیمی. چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- میری، سید رضا (۱۳۹۰). تعقیب کیفری. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- ناجی زواره، مرتضی (۱۳۸۹). دادرسی بی‌طرفانه. چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.